

شرایط مجازات میکساری

قال رسول الله [ص] اربع لا يدخل بيتا واحدة منهن الا ضرب ولم يعمر بالبركه . شرب الخمر والسرقه والخيانه والزنا " ۱
پیامبر (ص) فرمود چهار چیز وارد خانه ای نمی شود مگر آنکه آنرا ویران می سازد که دیگر آباد نشود . میکساری ، دزدی ، خیانت ، زنا و فحشاء .

گفتیم که بهترین راه مبارزه با مفاسد اخلاقی و اجتماعی در اسلام ، بهره گیری از سلاح ایمان است . اسلام از این اسلحه نیرومند نهایت استفاده را کرده است و بارها کاربرد آنرا در ریشه کنی مفاسد جامعه ، آزموده است کاربردی که همواره و در هر عصر و زمان و در همه جا و هر جامعه می تواند کارساز و موثر باشد همچنانکه توانست ، میخوارگی را در شبه جزیره عربستان (مکه و مدینه) با همه شیوع و گستردگی آن ، ریشه کن سازد .

۱- وسایل حدود ابواب سرافت

اسلام با شرایط ویژه‌ای برای میگساری پس از ثبوت آن ۸۰ تازیانه معین کرده است^۲ و اگر احیانا این عمل در مجامع مقدس یا در ماه رمضان انجام پذیرد، علاوه بر حد معین، تعزیر هم خواهد شد، و اگر دو یا سه بار حدی برکسی جاری شد، و برای سومین یا چهارمین بار نیز باز اقدام به میگساری کرد، کشته خواهد شد، همچنانکه اگر آنرا حلال بشمارد، محکوم بقتل و اعدام می‌شود.

امام صادق (ع) فرمود "من شرب الخمر فاجلدوه، فان عاد فاجلدوه؛ فان عاد فاقتلوه"^۳ کسیکه شراب بخورد باو تازیانه بزنید. اگر تکرار کرد، باز تازیانه و اگر باز هم تکرار کرد اعدامش کنید.

در زمان امیرمومنان (ع) نجاشی معروف، در شب ماه رمضان، شراب خورده بود و حضرت یک‌شب او را حبس کرد و فردا پس از هشتاد ضربه تازیانه، دوباره بیست تازیانه دیگر باو زد، نجاشی عرض می‌کند، هشتاد تازیانه حد شرابخواری است و این بیست تا، برای چیست؟ حضرت فرمود: "هذا التجرتک علی شرب الخمر فی شهر رمضان" این بخاطر شکستن حرمت ماه رمضان و جرات تو در میخواری در این ماه است.

و نیز اگر مسلمانی شرابفروشی را حلال بداند و بفروشد، نخست باید او را نهی کرد و او را وادار به توبه نمود. ولی اگر از توبه امتناع کرد و بکارش ادامه داد، حاکم شرع می‌تواند او را اعدام کند.

روایتی از امام رضا (ع) در این باره نقل شده است که می‌فرماید "... لوکان الحکم لی والدارلی، لجلدت شاربہ و لقتلت بایعه..."^۴

نکته جالب توجه اینکه در صدر اسلام مراحل مجازات و حد میگساری نیز تفاوت داشت و اسلام یکباره هشتاد تازیانه را مقرر نکرد بلکه نخست مجازات آسانتری مقرر شد و حتی پیامبر (ص) با نعلین طرف را تنبیه می‌کرد و پس از مدتی که شراب رسماً تحریم شد، حد میگساری نیز در زمان پیامبر و بعد از آن، به هشتاد تازیانه ثابت ماند. عن ابی بصیر، عن ابی عبدالله (ع) ... قلت له کیف کان یجلد رسول الله (ص) فقال

۴-۲۰۲- فروع کافی کتاب حدود

۳- در دفعه سوم و برخی از فقها در دفعه چهارم پس از اجراء سه بار حد، قتل را واجب می‌دانند.

۵- کتاب اطعمه و اشربه وسایل

کان یضرب بالنعال و یزیه کما اتی بالشارب ثم لم یزل الناس یزیدون ، حتی وقف علی ثمانین ۶...

حد شراب و حد قذف (تهمت و افتراء) یکی است ...

عن الصادقین (ع) ان علیا (ع) کان یقول ان الرجل اذا شرب الخمر ، سکر و اذا سکر ، هدی و اذا ، هدی ، افتری فاجلدوه حد المفتی^۷ علی (ع) فرمود شرابخوار پس از نوشیدن مست می‌هود و در حال مستی هذیان می‌گوید . و در هذیان افتـری می‌بندد . پس به او حدی مطابق حد قذف و افتراء بزنید .

شرایط حد

اجرای حد می‌گساری نیز شرایط ویژه دارد که عبارتست از ۱- شرابخوار باید بالغ و مکلف شرعی باشد و اگر طفل و کودک بود حد بر او جاری نمی‌شود . ولی در برخی موارد باید تنبیه شود .

۲- باید عاقل باشد بردیوانه حد جاری نمی‌شود .

۳- با اختیار و اراده و میل خود اقدام به میخواری کرده باشد و کسی اورا مجبور نکرده باشد و اضطرابی در خوردن نداشته باشد و نیز در خواب به او مشروب نسداده باشند .

۴- عالم بحرمت شراب باشد و اگر حکم آنرا نداند و جاهل باشد حد بر او جاری نخواهد شد .

این احکام و شرایط به استناد احادیث و روایتی است که از جعفر بن محمد (ع) نقل شده است " لا حد علی مجنون حتی یفیک و لا علی صبی حتی یدرک و لا علی النائم حتی یرتیق^۸"

در اجرای حد ، نوشیدن کم یا زیاد مطرح نیست ، بلکه اگر شرایط حد جمع شود هر چند به مقدار بسیار کمی هم بنوشد ، باز حد جاری می‌شود .

" اسحق بن عمار " می‌گوید سئلت ابا عبد الله (ص) عن رجل شرب خسوه خمر ،

۶- از امام باقر پرسیدم که پیامبر (ص) چگونه تازیانه می‌زد فرمود نخست با ضربه نعلین تنبیه می‌کرد و آنگاه آنحضرت و مردم بر آن افزودند (و تازیانه زده می‌شود) تا اینکه در هشتاد تازیانه ثابت ماند .

۷- ص ۳۳۱ و ۳۲۲ کتاب الحدود و التعزیرات

۸- وسایل ج کتاب حدود و سایر منابع حدیث و فقه .

قال یجلد ثمانین جلدہ قلبہا و کثیرہا حرام^۹ در بارہ مردی کہ جرعمای فراب نوشیدہ بود، پرسیدم، امام (ع) فرمود ہشتاد تازیانہ باید زد، چون نوشیدن شراب کم یا زیادش ہم حرام می باشد.

از فقہاء اہل سنت، شافعی و احمد حنبل و مالک بن انس نیز بہ همین حکم فتوا دادہ اند.

لیکن ابوحنیفہ در خمر و سایر مشروبات الکلی فرق گذاشتہ است و دو نوع حد قائل است می گوید اگر شراب مست نکند، برخوردارندہ آن حدی جاری نمی شود حتی اگر چند جام مشروب الکلی غیر از خمر بنوشد و مست نشود حرام نیست ولی با آخرین جام و یا جرعه کہ مست شد حرام است و حد واجب می گردد^{۱۰}

نوعہ اجراء حد

این تازیانہ بر تمام بدن مخصوصا میان شانہ میگسار (جز عورتین او) در حالیکہ برہنہ است باید زدہ شود. چنانکہ امام صادق (ع) در بارہ شرابخوار و زناکار فرمود یجلدان بالسیاط مجردین، بین الکتفین^{۱۱}

حد شرعی، بر شرابخوار از دو راہ ثابت می شود

۱- اقرار و اعتراف میگسار، در نزد حاکم شرع... و حتی اگر دہان وی بوی شراب دہد. و او اعتراف نکند و دلیل دیگری ہم برای ثبوت آن نباشد، حدی بر او جاری نمی گردد، چون ممکن است صرفا مضمضہ کردہ باشد و نخورده باشد.

۲- دو نفر عاقل عادل و آزاد در حال اختیار، در نزد حاکم شرع شہادت دہند کہ دیدہ اند طرف شراب خورده است.

مجازات اخلاقی و اجتماعی شدید

علاوہ بر مجازات ہا و حد شرعی، اسلام برای منزوی ساختن میگسار و تنبیہ و

۹- فروع کافی کتاب حدود

۱۰- بہ خلاف و ہدایہ المجتہد و سایر کتب فقہی اہل سنت مراجعہ شود و التفریح الجنائی ج ۲ ص ۲۹۹ " الحد حدان حد الشرب و هو قاصر عن حد شرب الخمر و حد السكر لمن یسکر فعلا من شراب غیر الخمر و اذا شرب منه ولم یسکر فالامتاب علیہ...
۱۱- فروع کافی کتاب حدود

زمینه سازی برای توبه اش، یک سلسله مجازاتهای اخلاقی شدید نیز برای میگزاری در نظر گرفته است که با توجه به میزان نفوذ اخلاق و روابط همیشگی مسلمانان و همبستگی عموم افراد مسلمان باهم در جامعه اسلامی، که بمنزله اعضا یک خانواده محسوب می شوند، می توان بمیزان تاثیر این تاکتیک و کاربرد مفید و سازنده آن پی برد. و همین برنامه در صدر اسلام حتی در جامعه کنونی مسلمانان اثرات مثبت و سازنده داشته است این مجازاتها عبارتست از :

- ۱- قطع ارتباط با میگسار . . .
- ۲- اگر مریض شد بعیادت او نروید .
- ۳- اگر مرد به تشییع جنازه او حاضر نشوید
- ۴- برجنازه اش نماز نخوانید .
- ۵- به او زن ندهید و از او زن و دختر نگیرید . اگر همینها دقیقا در یک خانواده و فامیل اجراء گردد قهرا باعث تجدید نظر در رفتار طرف می شود .
- ۶- کسیکه دخترش را به ازدواج میخواره درآورد، مثل آن است که دخترش را به آتش افکنده است .
- ۷- او امین نیست و امانت را به او نسپارید .
- ۸- بر سر سفرهاش ننشینید .

امام صادق (ع) فرمود و لا تجالسوا شراب الخمر فان اللعنه اذا نزلت عمت من فی المجلس ۱۲

مهمتر از همه آنکه اسلام همانند سایر دولتها تنها به یک سلسله دستورات اخلاقی و بخشنامهها برای مجازات و تنبیه و محکوم ساختن بسنده نکرده است بلکه رسماً وارد میدان عمل می شود و تمام مراکز و اماکن فساد را نابود می سازد و در میخانه را تخته می کند و از توزیع و فروش و تولید آن عمیقاً و شدیداً جلوگیری می نماید . و برای هر یک از اینها مجازاتی درخور شان و کارشان در نظر گرفته است . . . و در رابطه با همین جهت است که می بینیم پیامبر اسلام (ص) ده دسته از مردم را در رابطه با میخوارگی لعن کرده است " انس بن مالک می گوید " لعن رسول الله [ص] فی الخمر عشره . عاصرها معتصرها ، شاربها ، ساقیها ، حاملها ، المحمول الیه ، بایعها ، بیاعیها ، رواجها ، آکل ثمنها . " ۱۳

دو جہان بینی متضاد:

حکومت اسلامی و نظام طاعونی

کہ شاخہایش ، اورا بدام بلا انداخته و سبب مرگش را نمی شناسد غرق در تعجلات هستند لازم و ضروری است تا خود پسندهانه بدنک و فنگ و میز و مبلمان و اطاق انتظار سکرتر بازی نبالند و بسادگی و بی آلاشی و حذف تشریفات، روی آورند و خود را در خدمت مردم بدانند و مردم را در خدمت خود ...

فردوسی در رد و بدل نامہ این دوسردار کہ یکی گرفتار غرور کاذب است و دیگری کہ تجمل را دشمن کوشش و مایہ انحطاط

شماره مسلسل ۲۶۲

شکستہای تاریخی و سقوط و انحطاط سلسلہها در فلسفہ تاریخ فقط از یک دید گاہ (تک سبب بینی) بررسی نمی شود بلکہ ابعاد قضیہ نیز مورد تحلیل و تجزیہ قرار می گیرد .

در فردوسی نامہ کہ یکی از اسناد تاریخی ما است، (فردوسی) از نامہی (رستم پورہرمزد) سپہبد ایران بہ (سعد وقاص) سردار اسلام ، مطالبی را نقل می کند کہ مطالعہ آن بر جوانان و بویژہ آن دستہ از سازمانہای اداری کہ هنوز اسیر غرور و نخوت اداری اند و چون گوزنی

مکتب اسلام ۳۶

میداند، جهان‌بینی متضاد آنها را ازدید-
گاه و مکتب چون داوری بی‌طرف و بی
غرض تحلیل می‌کند شاید پسند آموزان
عبرت گیرند و ره را چنان روند که رهروان
آزاداندیش رفت‌اند.

* * *

اینک متن داستان :

(رستم پورهرمزد) بدبیرش دستور
میدهد به (سعد وقاص) نامه‌ای اهانت‌آمیز
بنگارد و سپاه و خرگاش را برخ او بکشد
و از تخمه و نژادش و از کیش و پادشاهیش
جویا شود،

بن بازگوی آنکه: شاه تو کیست

چه مردی و آئین و راه تو چیست

به نزد که جوئی همی دستگاه

برهنه سپهد! برهنه سپاه!

به نانی تو سیری و هم گرسنه

نه بیل و نه تخت و نه بار و بنده؟!

(رستم پورهرمزد) به این هم قناعت

نمی‌کند، و شماره سگها و پروزا و بازهای

شکاری را احصاء و برشماری می‌کند که

همه این ۱۲ هزار حیوان درباری به زنگ

و گوشواره‌های گران قدر آراسته‌اند و

می‌توانند سربهای هر عرب را بدون آنکه

بکنجها لطمه‌ای وارد آید بپردازند !!!

ببخشد بهای سر تازیان

که گنجش‌نگیر دزد بخش‌ش‌زیان

سگ و یوز و بازش ده دوهزار

که بازنگ و زارند و با گوشوار

بسای همه دشت نیزه و ران

نیارند خورد از کران تا کران

که او را بیاید به (یوز) و به (سگ)

که بر دشت نخجیر گیرد بتک

(رستم پورهرمزد) نامه‌ی خود را به

(پیروز شاهپور) می‌سپارد که آن را بسپهد

تازیان برساند.

(پیروز) هنگامی که بسعد وقاص میرسد

جویای تخت و بارگاه فرماندهی سپاه عرب

می‌گردد.

(سعد وقاص) با سادگی تمام، ردا از

شانه برمی‌گیرد و بر زمین می‌افکند و از

فرستاده می‌خواهد که بر ردا سپهدنشیند.

و با لحن آرام و ملایمی بفرستاده رستم

می‌گوید: « ما سرباز و سپاهی هستیم.

سپاهی گری، دلیری و چابکی می‌خواهدنه

آرایش و پیرایش پرزرق و برق زنانه! مرد

جنگی را اسلحه لازم است نه زر و زیور و

دبیا و عطر و رنگ! »

سپهد فرود آمد اندر زمان

ز لشکر پیرسید و از پهلوان

هم‌آز شاه و دستور و از لشکرش

زنالار بیدار و از کشورش

و «شعبة بن مغيرة» سلام اورا بشرط
اسلام پاسخ می دهد:

بدو گفت شعبه که ای نیکنام
اگر دین پذیرى عليك السلام

(رستم) از این همه دلیری و بی اعتنائی و
وصراحت لهجه يك رسول برهنه، از خشم،
بخود فرو می رود و با سکوت نامه (سعد) را
می کشاید و ب مترجم می سپارد.

بپیچید رستم، ز گفتار او
برو هاش، برچین شد از کار او

(رستم) برای فرو کش کردن خشم و
غضب، تصمیم بجنگ می گیرد و در این
جنگ نیز کشته می شود و (بقولی) راحت
می شود.

آنچه در این بحث تحلیلی، مورد توجه
نگارنده است نه تعقیب تاریخ است، نه
بی گیری داستان فردوسی نامه بلکه برخورد
دو جهان بینی است که مظهر کامل آن را
در (رستم پور هر مزد) از طرفی و در (سعد
وقاص) از طرفی دیگر و در (پیروز شاهپور)
از سوئی و در (شعبة بن مغيرة) از سوئی
دیگر متجلی می یابیم. (رستم پور هر مزدها)
درک نکردند که :

شفیع از گناهش محمد (ص) بود
تنش چون گلاب، مصعب بود
تن (بزد گرد) و جهان فراخ
چنین باغ و ایوان میدان و کاخ

رداو زیر پیروز افکند و گفت: که
ما نیکو و تیغ داریم جفت!

شما را بمر دانگی نیست کار
همان چون زنان رنگ و بوی و نگار

هنر تان به دیباست بیراستن
دگر نقش و بام و در آراستن!

سعد وقتی نامه را می کشاید از انعکاس
طرز فکر و جهان بینی یک مرد مغرور آنهم در
یک نامه رسمی دچار حیرت و شگفتی میشود.
آنگاه بسبکی که دنباله رو «نامه های محمد»
(ص) است نامه ای ساده با انشائی بی پیرایه
پاسخش را می دهد:

ز توحید و قرآن و وعد و وعید
ز تهدید و از رسم های جدید

که گر شاه پذیرد این دین راست
دو عالم بشادی و شاهی و راست

نشستند پیشش صد و شصت مرد
سواران و شیران، روز نبرد

ابا افسر و جامه های بنفش
بهای اندرون کرده (زرینه کفش)

همان طوقداران ابا گوشوار
همان برده آراسته، شاهوار

(رستم پور هر مزد) سرسخن را با این
فرستاده ساده و بی اعتنا بتجمل و پرده و
برده سرا، باز می کند و بوی خوش آمد
می گوید :

بدو گفت رستم که جان بشاد دار
بدانش روان و تن، آباد دار

همه، تخت و تاج و همه جشن و سور
نیرزد بدیداریک موی (حور)
دو چشم تو اندر سرای سپنج
چنین خیره گشت از بی تاج و گنج
پس ایمن شدستی بر این تخت عاج
بدین گنج و مهر و بدین تخت و تاج

ز زربفت چینی کشیدند نخ
سپاه اندر آمد چومور و ملخ
نهادند زرین یکی زیر گاه
نشست از برش پهلوان سپاه
آرمان اسلام ، اسلام محمد (ص) یک
نظام ضد طبقاتی است .

(سعد وقاص) این نامه را به «شعبه
بن مغیره» می دهد تا برستم برساند.
سفیر فرمانده عرب، از آمدن سفیر تازیان،
از هر گونه آرایش و زرق و برق دربار، فروگذار
نمی کند شاید رعب صحنه، قلب سفیر را
بطپاند و خود کم بینی و هول حقارت ،
مقهورش سازد.

اعراب مبارز، با ایران و ایرانیان،
دشمنی خاص نداشته اند، آنها با نظام
اشرافی، با نظام ضد مردمی در هر
گوشه جهان مخالف بودند و این
منشور: ان اکرمکم عندالله اتقیکم
بود .

(شعبه بن مغیره) با پیرهنی چاک دار
و بلند، شمشیری باریک، متصل بپندنازکی
آویزان بگردن برهنه، بدون کلاه خود با
حال روزه از راه میرسد و بر خاک مینشیند
و بشرط پذیرش (دین) از سوی رستم بوی
سلام اسلامی میدهد.

ما عالی ترین مظهر تحقق این آرمان را
روش «حکومت علی (ع)» و درمکاتبات
او به فرماندارانش بخوبی ملاحظه
می کنیم .

درنامه ای که علی (ع) به عثمان بن
حنیف فرماندار بصره می نگارد ، با ونهیب
می زند، آنجا که شیر مرد کارزار و پارسای
شب با خیر می شود که عثمان بن حنیف
مهمانی یکی از اشراف بصره را پذیرفته
است .

از ایرانیان نامداری ز راه
بیامد بر پهلوان سپاه
که آمد فرستاده ی (پیرنست)
نه اسب و سلیح و نه جامه درست
یکی تیغ باریک برگردنش
پدید آمده چاک پیرهنش
چو رستم بگفتار او بنگرید
ز (دیبا) سرافروزی بر کشید

لذا بر پیشوای بینوایان گران می آید
که چرا میان فرماندار بصره و طبقه اشراف
روابط سرفره برقرار شده ، از بیم خطر
این روابط دوستانه! بزبان مردم زیر دست

واحر از امتیازات ویژه در محافل انس شبانه!
و در سرشام‌هایی که به افتخار ارباب قدرت داده
می‌شود علی (ع) می‌فرماید: ... ای عثمان بن
حنیف شنیده‌ام حتی از لیسیدن استخوان‌هایم
خودداری نکرده‌ای!

آن هنگام که سرگرم عیش و نوش بوده‌اید
گروهی، گرسنه و تهیست بر آستان باشکوه
آن خانه ایستاده بودند و مایوس، باز-
گشته‌اند...

این آرایشها و این تجمل‌ها وزرق و
برق‌ها هرگز نمی‌توانند دل علی را بر بایند
پس خوب است که شما نیز تا می‌توانید از
من پیروی کنید، آیا هیچ‌گونه همانندی در
میان (امام) و «مأموم» و (پیشوا) و

فرمانگذار) نباید وجود داشته باشد؟
این دورنمایی است از روش خلافت
اسلامی علی (ع) بارگاہ بی‌پیرایه علی
در کوفه ...

پس اگر ایرانیان علی را پیشوا و نمونه
کامل مؤمنان و هدایتیمان و شوهر بیوم-
زنانش خواندند باین خاطر بود که هنگام
گریز از مظالم جهنم طبقاتی ساسانی،
بهترین نمونه حکومت ایده‌آل اسلامی را
در حکومت آن حضرت مجسم یافتند پس
روش اداری ما نیز باید دنباله روی
واقعی نه مظاهرا نه چنین روشی باشد تا
طلعت آینده، چشمها را خیره کند...
به امید آرزو

پایه از صفحه ۲۵ شرایط مجازات میگساری

کسیکه مواد اولیه آن (آب انگور و خرما) را می‌گیرد ۲- خود آب انگوری که
برای تهیه شراب گرفته اند ۳- می‌خوار ۴- ساقی و شراب دهنده ۵- حامل شراب (و
نقل و انتقال دهنده آن بوسایل مختلف حمل و نقل) ۶- گیرنده محموله شراب ۷-
فروشنده اش ۸- خریدارش ۹- دلال و واسطه خرید و فروش آن ۱۰- گیرنده و مصرف
کننده پول آنها، همگی مورد لعن و نفرین پیامبر (ص) می‌باشند...
راستی که یکی از اثرات انقلاب اسلامی ما ریشه کنی بسیاری از اینگونه مفاسد
خانمانسوز است که با بهره‌گیری از ایمان انقلابی مردم و با پیروی از تعلیمات و شیوه‌های
عملی پیامبر (ص) و ائمه (ع) توانست بسیار سریع محیط آلوده ایران را پاکسازی کند و
جلوی این‌گونه مفاسد و اعتیادها را بگیرد و آتیمه کارخانه‌ها و میکده‌ها و بارها و مشروب
فروشها را تعطیل سازد.